فصلنامه تاریخ اسلام

سال دوم، شماره دوم، تابستان ۱۳۸۰، ص ۱۱۹-۱۴۱

تحول و تطوّر در نیروی دریایی مسلمانان

(تا پایان خلافت عباسی)

دکتر اصغر قائدان*

از هنگامی که نیروی نظامی مسلمانان از مرزهای جزیرة العرب خارج شده و در صدد گسترش اسلام به مناطق مجاور برآمدند، در مراحل مختلف عملیاتی و فتوح خویش با پدیده‌ای جدید در جنگ‌ها روبرو گردیدند که مقابلهٔ با آن نیازمند تکنیک، ابزار و تاکتیک‌های جنگی جدید و ویژه بود. بر اساس شرایط جدید، دیگر جنگ‌های زمینی تنها جنگ‌هایی نبودند که مسلمانان با آن روبرو باشند. مسلمانان در این راه با تلاش و کوشش بی‌نظیر به پیشرفت‌ها و تکامل چشمگیری دست یافتند. دیری نپایید که استفاده از کشتی‌ها و ملوانان و متخصصان جنگ در دریا، ایجاد کارخانجات کشتی سازی در سواحل کشورهای فتح شده و ساخت سلاح‌ها و ابزارهای جنگی مخصوص کشتی‌ها باعث به وجود آمدن ناوگان‌های عظیم جنگی گشت که مسلمانان به وسیله آن توانستند جزایر مختلف و نیز سواحل شمالی آفریقا، اندلس، سواحل دریای مدیترانه را فتح کرده و اسلام را تا دورترین نقاط گسترش دهند، در این مقاله برآنیم تا سیر تحول و تطوّر نیروی دریایی مسلمانان از آغاز تا پایان عصر عباسی را به اجمال مورد بررسی قرار دهیم.

واژه‌های کلیدی: ناوگان، اسطول، کشتی، غازی، بحر، دریا، صواری، سفینه، لگام.

* عضو هیأت علمی دانشگاه امام حسین(ع).

الف. آشنایی عرب با دریا و دریا نوردی و اهمیت آن از دیدگاه پیامبر(ص)

اعراب از دیرباز به ویژه قرن‌ها قبل از اسلام، با دریا و دریانوردی آشنایی داشتند و چون اکثر آن‌ها از طریق تجارت روزگار می‌گذرانیدند، از این‌رو کشتی‌های تجاری آنان همواره در حال فعالیت بود در این مورد می‌توان به حمیریان و قوم سبا اشاره داشت.[۱]

عرب جزیرة‌العرب، در منطقه‌ای سکونت داشته که به سبب محاصرهٔ دریا از سه طرف، همواره با دریا و ارتباطات دریایی آشنا بوده است و بارها در تجارت زمستانی به سوی حبشه، از دریای سرخ عبور کرده است. می‌توان گفت نخستین بار که در میان مسلمانان یک سفر دریایی پدید آمد، زمان مهاجرت به حبشه بود و به دلیل مسافرت با کشتی، آن مهاجران را «اصحاب سفینه» لقب دادند. به علت آشنایی عرب جزیرة‌العرب با دریا و نیز اهمیت آن است که در قرآن کریم سی‌وهشت بار از بحر و بحیره و بحرین[۲] و چهار بار نیز از کشتی یا سفینه نام برده شده است.[۳] اما با این وصف، جای تعجب است که چگونه طبری از عدم آشنایی خلیفه دوم نسبت به دریا سخن گفته است. او روایت می‌کند که: معاویه مترصد کسب اجازه از خلیفه برای یک نبرد دریایی بود، اما خلیفه پس از آن‌که از عمروبن عاص خواست دریا را برای او توصیف کند و مطمئن شد که دریا برای جان مسلمانان خطر دارد، چنین اجازه‌ای را نداد و خطاب به معاویه گفت: «به خدا سوگند هرگز مسلمانان را به این راه وادار نمی‌کنم».[۴] این در حالی است[۵] که قبل از آن، رسول خدا(ص) بارها مسلمانان را به جهاد از طریق دریا تشویق فرموده بود: «**لاترکب البحر الاحاجّاً، او معتمراً او غازیاً فی سبیل الله**»؛[۶] (در دریا حرکت نکنید جز برای حج و عمره و جهاد در راه خدا)؛ و نیز آن حضرت می‌فرمود: «**من غزا فی البحر غزوة فی سبیل الله...**»؛[۷] (کسی که در راه خدا به

نبرد در دریا بپردازد، خداوند از احوال کسی که در راه او [در دریا] جهاد می‌کند آگاه‌تر است، پس او در اطاعت خود به خداوند پناه برده، بهشت او را به خود می‌خواند و آتش او را از خود می‌گریزاند). از ام حرام نقل شده است که روزی رسول خدا(ص) در خانه او فرمود: «**ناس من امتی عرضوا علی غزاة فی سبیل الله یرکبون...**»؛[۸] (گروهی از امت من به عنوان مجاهد در راه خدا همچون پادشاهان و ملوک در دریا برکشتی‌ها سوار خواهند شد). ام حرام می‌گوید: از او خواستم که از خدا بخواهد من هم جزء آنان باشم. پس آن حضرت فرمود: تو اولین آنان خواهی بود. این گفتهٔ پیامبر(ص) بعدها محقق شد؛ ام حرام به همراه همسرش عبادةبن صامت در سپاهی که برای فتح قبرس حرکت کرده بود حضور یافت و در آن نبرد دریایی از پشت استر خویش به زمین افتاد و از دنیا رفت و در همان‌جا مدفون گشت.[۹]

هم‌چنین از آن حضرت، روایت شده است: «شهید دریا مثل شهید خشکی است و سرگردان شده در دریا چون کسی است که خون او در خشکی ریخته شده باشد»؛ و نیز می‌فرمود: «یک جنگ در دریا برابر با ده جنگ در خشکی است و کسی که در دریا گرمازده یا سرگردان شود چون کسی است که خون او در راه خداوند سبحان در خشکی ریخته شود».[۱۰]

ب. نیروی دریایی در عصر خلفای راشدین و اموی

در دوران پیامبر(ص) و پس از او، ابوبکر موقعیت برای نبرد دریایی پیش نیامد. به رغم آن روایتی که قبلاً ذکر شد، چند عملیات دریایی در دوران خلافت عمر گزارش شده است؛ از جمله این‌که: اولین تهاجم دریایی از سوی والی بحرین، عثمان‌بن عاص ثقفی، به سواحل هند صورت گرفت که تا نزدیک بمبئی در مکانی به نام «تانه» رسیده و تا مصب رودخانه سند پیش رفت.[۱۱] هم‌چنین، والی دیگر بحرین، علاءبن

حضرمی، از طریق دریا به ایران حمله نمود و در سال ۱۷ه به شهر اصطخر رسید. در سال ۲۰، خلیفه عمربن خطاب به علقمةبن مجزر برای حمله‌ای دریایی به سوی حبشه از طریق دریای سرخ فرمان داد تا به این شکل از مسلمانان در قبال تهاجمات دریایی حبشیان بر سواحل مرزهای اسلام دفاع کنند این حمله اگرچه عقیم ماند، اما با این وجود، مسلمانان توانستند تا شهر «اودلس» در حبشه پیشروی نمایند.[۱۲]

فتح قبرس در سال ۲۷ یا ۲۸ه نخستین تجربه موفق بود و چون مسلمانان از این نبرد پیروز بیرون آمدند، در این نوع جنگ نیز بیشتر فعال شدند. اگر روایت نه چندان صحیح طبری در مورد جنگ اندلس در عصر عثمان ـ به سال ۲۷ ـ را بپذیریم،[۱۳] باید گفت مسلمانان یک سال قبل از فتح قبرس و پس از فتح افریقیه، از طریق دریا برای فتح اندلس اقدام کرده‌اند. طبری گزارش می‌کند که خلیفه به عبدالله‌بن نافع دستور داد تا از طریق دریا به سوی اندلس تهاجم برند. او به فرمانده سپاهش چنین نوشت:

«اما بعد، جز این نیست که قسطنطنیه از طریق اندلس فتح خواهد شد و شما اگر آن را گشودید در اجر و پاداش کسی که قسطنطنیه را فتح کرده شریک هستید».[۱۴]

عثمان در فتح اندلس، قصد داشت یک استراتژی پیشرفته را به نمایش بگذارد و آن این‌که فتح قسطنطنیه جز از طریق اروپا و آن هم از طریق دریا و فتح اندلس میسر نیست. مسلمانان ابتدا رودس و سیسیل را فتح کردند و در سال ۳۴ه مهم‌ترین نبردهای دریایی در تاریخ فتوح اسلام را علیه روم به راه انداختند. در آن نبرد که به فرماندهی عبدالله‌بن سعدبن ابی‌سرح، حاکم مصر، صورت گرفت و نبرد «ذات الصواری» نامیده شد، به یک پیروزی درخشان دست یافتند.[۱۵]

از سال ۲۸ه کشتی‌های مسلمانان در دریاها بر کشتی‌های بیزانس تفوق یافته و سیادت خود را بر دریاها محرز نموده و حملات متعددی را علیه سواحل تحت سلطه بیزانس انجام دادند.[۱۶] به هنگام رسیدن مروان‌بن محمد به مصر، که عباسیان در

تعقیب او بودند، وی بخشی از نیروهای خود را به سوی دریا فرستاد تا تمامی کشتی‌ها را در سواحل دریای مدیترانه به ویژه در اسکندریه به آتش کشند. او هم‌چنین کشتی‌های موجود در فسطاط را که در رود نیل مستقر بودند به آتش کشید.(۱۷)

ج. نیروی دریایی در عصر عباسیان

عباسیان برای نخستین بار در مقاصد نظامی و به هنگام محاصره شهر واسط از کشتی استفاده کردند. آن‌ها کشتی‌ها را پر از هیزم کرده در داخل آن‌ها آتش انداختند و سپس به سوی واسط روان ساختند تا هر چه سر راه آن‌ها قرار دارد سوزانیده شود؛ اما ابن‌هبیره حاکم اموی این شهر قلاب‌هایی آماده کرده بود که به وسیلهٔ آن کشتی‌های مهاجم را می‌کشید و غرق می‌ساخت.(۱۸)

خلیفه منصور نیز به نیروی دریایی و ساخت کشتی‌های جنگی اهمیت می‌داد و بدین‌منظور کارخانه‌هایی برای ساختن کشتی به ویژه در مصر احداث نموده و مردم را به کار کردن در آن تشویق می‌کرد؛ او حتی ذمی‌ها را تا زمان کار در کارخانه‌های ساخت کشتی از پرداخت جزیه معاف کرد.(۱۹)

منصور به بازگردانیدن اندلس به حاکمیت دولت عباسی می‌اندیشید، از این‌رو در سال ۱۴۶ه به فرمانده سپاه خود علاء بن مغیث الحیصبی دستور داد تا با یک نیروی دریایی عظیم به سوی اندلس حرکت کند. او در مرزهای باجه فرود آمد و دشمنان عبدالرحمان الداخل، به ویژه فهریان و یمانیان، نیز به او پیوستند؛ انقلاب گسترش پیدا کرد تا این‌که عبدالرحمان توانست این شورش و انقلاب را سرکوب نماید.(۲۰)

منصور در سال ۱۴۶ه به دلیل این‌که مردم تونس بیزانسیان را در تهاجمات ایشان علیه لاذقیه و طرابلس در سال ۱۴۰ه یاری رسانیده بودند، از طریق دریا مورد حمله

قرار داد. فرماندهی این تهاجم دریایی را امیر البحر شامی، عباس‌بن سفیان خثعمی برعهده داشت و این نخستین لشکری بود که از زمان تشکیل دولت عباسیان، به سوی قبرس عازم شد. منصور یک ناوگان دریایی برای مقابله با تهاجمات دریایی تدارک دیده بود. در سال ۱۵۳ه حبشیان با ناوگان‌های خود جده را مورد تهاجم قرار دادند و منصور ناوگان دریایی خود را علیه آنان به کار گرفت و توانست تجاوزات آنان را دفع نماید.(۲۱)

هم‌چنین منصور پس از بازگشت از حج بعد از آن‌که خبر تهاجمات و یورش‌های راهزنان ساکن در مناطق سند به کشتی‌ها و شهزهای ساحلی و تخریب سواحل حجاز را دریافت کرد، برای از بین بردن این تهاجمات، یک حمله دریایی از طریق بصره تدارک دید.(۲۲)

در دوران او نیروی دریایی چند جنگ دیگر انجام داد؛ از جمله تهاجم به قبرس (۱۵۶ه) و سواحل آسیای صغیر (۱۵۷ه) که البته بیزانس توانست ارتباط بین نیروی دریایی و زمینی مسلمانان را قطع کرده و عملیات ثمامة‌بن وقاص را در تهاجم به آسیای صغیر ناکام گذارد.(۲۳)

دولت عباسی در این دوران (منصور) کوشید تا سیطره خود را بر دریاهای هند برقرار سازد و با راهزنان دریایی که این دریاها را دستخوش تجاوز و غارت خود می‌کردند برخورد نماید. او این کار را به منظور تأمین راه تجارت با هند و چین انجام می‌داد، از این رو عمربن جمیل را با کشتی‌های جنگی به این مأموریت فرستاد. عمر به «تماران» و سپس به قندهار رفت و آن‌جا را فتح کرد. در دوران مهدی نیز، المعمربن عباس خثعمی در سال ۱۶۰ه دست به یک جنگ دریایی زد.(۲۴)

عباسیان در این عصر به خاطر مرزهای مشترک دریایی ناچار به درگیری با ناوگان‌های بیزانس بودند و ناوگان‌های خود را برای تحت نظر گرفتن تحرکات

دریایی ناوگان‌های بیزانس وارد عمل می‌کردند.[۲۵] علاوه بر آن، به تهاجمات و جنگ‌های دریایی و یا مقابله با تهاجمات بیزانس نیز می‌پرداختند. اما در حقیقت، فعالیت دریایی عباسیان در این عصر چندان پویا نبود؛ زیرا این دولت در برخوردهای دریایی به ویژه در دریای مدیترانه با یک فترت روبرو شده بود. دولت‌های اروپایی به خاطر مشکلات داخلی ،از این دریا غافل شده و در حدود نیم قرن راه را برای سیطره بی‌رقیب بیزانس باز گذاشته بودند که البته بیزانس نیز گاهی به خاطر درگیری با بلغارها در اروپا از مسائل این دریا غافل می‌ماند.[۲۶] با این حال، مسلمانان در سال‌های ۱۴۸ و ۱۴۹ هـ سلسله حملاتی را به قبرس و سیسیل تدارک دیدند و تا سال ۱۵۶ هـ تا حدودی فعالیت‌ها و نبردهای دریایی فعال شد و زمینه برای افزایش حملات نظامی دریایی در دوران خلیفه مهدی فراهم گردید.[۲۷] خلیفه در این دوران، عبدالملک بن شهاب مسمعی را به فرماندهی یک ناوگان دریایی منصوب نموده و او را به سوی سرزمین‌های هند اعزام داشت. وی در سال ۱۶۰ هـ شهر «باربد» را تسخیر کرد. عباسیان در این حمله از منجنیق نیز بهره بردند.[۲۸] در این دوران فعالیت‌های دریایی گسترش بیشتری یافت.

در دوران هارون نیز تهاجمات و درگیری‌های دریایی افزایش یافت و از سال ۱۷۰ تا ۱۷۴ هـ چند درگیری عمده به وقوع پیوست. در سال ۱۷۴ هـ مجدداً تحرکات دریایی لشکر عباسی برای تهاجم به قبرس شروع شد. در این سال بعضی از راه‌های دریایی عباسیان که مصر را به شام مرتبط می‌ساخت از سوی ناوگان رومی مورد تهاجم قرار گرفت.[۲۹] هارون با ناوگان عباسی شام در همان جزیره قبرس به مقابله با این تهاجم پرداخت. ناوگان او به خلیج ایتالیا در سواحل جنوبی آسیای صغیر رسید[۳۰] و با ناوگان رومی درگیر شده و آن را شکست داد و حتی فرمانده نیروی دریایی روم را به اسارت گرفت.[۳۱]

عباسیان، پایگاه‌هایی را جهت مقاله با تهاجمات بیزانس در سواحل شمال افریقیه برپا کردند؛ از جمله پایگاه «المنسیتر» که هرثمةبن اعین در سال ۱۸۰ه ایجاد نمود. اغالبه هم این پایگاه‌ها را که «قصور» یا «پاسگاه» نامیده می‌شد، گسترش داد. ناوگان عباسی در سال ۱۹۰ و ۱۹۱ه به فرماندهی اغالبه، سواحل یونان و رودس را مورد تهاجم قرار دادند. در دوران امین نیز این فعالیت‌های دریایی هم‌چنان در دریای مدیترانه برقرار بود.[۳۲]

در دوران مأمون، عبدالله‌بن طاهر تعدادی کشتی جنگی از طرسوس به راه انداخت و تا «تنیس»[۳۳] پیش رفت. مأمون در سال ۲۱۰ه او را برای سرکوبی شورش‌های داخلی مصر بدان جا اعزام داشته بود. وی توانست اندلسی‌ها را در اسکندریه به محاصره خود درآورد.[۳۴] در دوران معتصم نیز فعالیت‌های دریایی در دریای مدیترانه هم‌چنان قابل ملاحظه بود و تسلط بر آن دریا از شرق تا غرب کامل گردید.[۳۵]

در مجموع باید گفت: در دوران عباسیان توجه به دریا و نیروی دریایی به اندازه‌ای گسترش یافت که دیوانی به نام «دیوان الاسطول» برای آن پدید آمد. در این دیوان، اسامی کسانی که می‌بایست در آن ناوگان‌ها خدمت کنند به همراه میزان مواجب و عطایا و غنیمت‌ها ثبت می‌شد. حضور در نیروی دریایی از روی اختیار و داوطلبانه بود.[۳۶] نیروهای نظامی که می‌خواستند در دریا و نیروی دریایی خدمت کنند می‌بایست به اندازه لازم دارای مهارت، تجربه و شجاعت بوده و بتوانند در صورت نیاز، به تعمیر و اصلاح کشتی هم بپردازند و یا تیراندازی و دریانوردی نمایند. خلفا بعضی افراد را به سوی مناطق سرحدی و سواحل می‌فرستادند تا در آن‌جا مقیم شده و مرزهای دریایی و سواحل را به عنوان مناطق پشتیبان به وسیله ساختن دیوار و حصار مستحکم نمایند.[۳۷] برای جذب نیرو در نبردهای دریایی، مسلمانان به جهاد

فراخوانده می‌شدند و در آن حال بسیاری افراد داوطلبانه در پایگاه‌ها و سواحل مستقر می‌شدند تا در فریضهٔ جهاد شرکت کنند. در یک نمونه، اسدبن فرات، قاضی قیروان، فرماندهی یک ناوگان دریایی را بر عهده گرفت که در آن یک صد کشتی با ده هزار نیروی نظامی برای فتح سیسیل حضور داشتند.[۳۸]

در بسیاری از سرحدات و سواحل شام، پایگاه‌هایی ساخته شده بود تا مجاهدان در آن‌جا به استقبال دشمنانی که از طریق دریا تهاجم می‌کنند بشتابند. این مجاهدان از شهرهای شام و مصر می‌آمدند.[۳۹] یکی از مجاهدان معروف که نام او در دیوان ساحل شام برای جهاد ثبت شده بود «عبدالرحمن‌بن عمر اوزاعی» فقیه بزرگ عصر منصور بود. او در سال ۱۴۰ هـ در یکی از جنگ‌های با روم در این منطقه حضور یافت.[۴۰] یکی دیگر از مجاهدان به نام این عصر «ابراهیم‌بن ادهم» عارف و صوفی مشهور بود که در چندین درگیری در دریای شام حضور یافت[۴۱] و در یکی از جنگ‌ها به شهادت رسید.

عباسیان با ایجاد کارخانه‌هایی در بصره، بغداد و مصر به ساخت کشتی‌های مخصوص عبور در رودخانه پرداختند و آن‌ها را در رود دجله و فرات و نیل به حرکت در آوردند. هارون به ساخت کشتی‌هایی پرداخت که قبل از او سابقه نداشت. در دوران معتصم پس از سرکوب شورش زطها، ۲۷ هزار نفر از آنان را به وسیلهٔ کشتی از بصره به بغداد منتقل نمودند.[۴۲]

تجهیزات و تسلیحات کشتی‌های جنگی

الف. تجهیزات

کشتی‌هایی که در گذشته در جنگ‌های دریایی شرکت می‌کردند معمولاً دارای سه طبقه بودند که در هر یک از آن طبقات، تمامی تجهیزات و امکانات مورد نظر آنان از

قبیل آب‌انبار جهت ذخیره‌کردن آب آشامیدنی ریسمان‌ها، بادبان‌ها، تبر، کارد و سایر وسایل مورد احتیاج جمع می‌شد. هر دریانوردی ملزم به فراهم ساختن ابزارها و تجهیزات کشتی خود و نیز وسایلی برای پرتاب آتش بود که معمولاً بر بالای برج و دکل کشتی نصب می‌شد. جنگجویان برای پرتاب آن پرتابه‌ها بر بالای این برج که اطراف آن با صفحاتی پوشیده شده بود مستقر می‌شدند و آتش یا سنگ و تکه پاره‌های تیز آهن را به سوی دشمن پرتاب می‌کردند تا آنان را به قتل برسانند و کشتی آن‌ها را سوزانده یا غرق نمایند. در طبقهٔ اول و دوم هر یک از این کشتی‌ها حدود ۵۰ روزنه یا پنجره تعبیه شده بود تا جنگجویان و تیراندازان برای پرتاب تیر و پرتابه‌های دیگر در کنار آن موضع بگیرند و به سوی دشمن نشانه روند. رئیس و ناخدا نیز در اتاقک جلوی کشتی مستقر می‌شد. هرکشتی حدود ۲۰۰ نفر را در خود جای می‌داد؛ ۵۰ نفر آنان وظیفه پرتاب پرتابه‌ها و بقیه وظیفه جنگیدن داشتند. در بعضی از این کشتی‌ها منجنیق‌هایی نصب می‌شد و کف کشتی از سنگ‌های تیزی که به جای سلاح از آن برای پرتاب استفاده می‌کردند، پر می‌شد.[۴۳]

ب. تسلیحات

سلاح کشتی‌های جنگی را می‌توان به دو بخش تقسیم کرد:

۱ـ سلاح سربازان و جنگجویان.

۲ـ سلاح مخصوص کشتی‌ها.

۱ـ سلاح سربازان

سلاح سربازان عبارت بود از: کمان، نیزه، شمشیر، خنجر، سنگ و تبر. از وسایل نظامی نیز می‌توان از سپر، زره و کلاهخود نام برد.[۴۴]

آن‌ها معمولاً سه خنجر همراه داشتند؛ یکی در داخل سپر، یکی بر پهلو و دیگری در داخل لباس. شمشیر می‌بایست به گردن انداخته شود، نه این‌که به کمر بسته شود؛ زیرا برای جنگجویان در دریا بر خلاف خشکی، حمل به گردن راحت‌تر بود. دبوس یاگرز نیز می‌بایست به وسط کمربند آنان بسته شود.(۴۵) هر ناو جنگی قبل از جنگ هر آن‌چه که مورد نیاز سربازان بود، از جمله سلاح و تجهیزات و تدارکات، را در خود جای می‌داد.(۴۶)

۲ـ سلاح مخصوص کشتی‌ها

۲ـ۱ـ کلالیب(۴۷) = قلاب‌ها

وسیله‌ای آهنین با نوک هلالی و خم شده بود که همراه با حلقه‌هایی به کشتی‌ها متصل می‌شد. هنگامی که کشتی خودی به دشمن نزدیک می‌شد آن را به سوی کشتی دشمن پرتاب می‌کرد و بر روی آن صفحاتی می‌انداختند تا مانند یک پل، از روی آن عبور کرده و برای جنگ با سرنشینان کشتی دشمن داخل آن شوند.(۴۸)

۲ـ۲ـ باسلیق

پرتابه‌هایی از آهن بوده که به وسیله حلقه‌هایی به کشتی وصل می‌شد. از این وسیله برای سرنگون کردن و شکستن کشتی‌های دشمن از طریق زدن ضربه‌های پی‌درپی استفاده می‌شده است.(۴۹)

۲ـ۳ـ توابیب

صندوق‌هایی بوده که بالای آن باز بوده و بر فراز کشتی نصب می‌شده است. لشکریان در داخل آن می‌نشسته و از آن‌جا سنگ و یا پاره‌های آتش و مواد آتش‌زا به سوی دشمن پرتاب می‌کردند و کشتی آن‌ها را سوزانده و یا سرنشینان آن را کور می‌کردند. گاهی از آن‌جا مار و عقرب به داخل کشتی‌ها می‌انداختند.(۵۰)

۲ـ۴ـ لجام = لگام

از سلاح‌های مهم دریایی بوده است. ابزاری مثل تبر و نوک تیز در جلو کشتی قرار می‌دادند و با آن به شدت به کشتی‌های دشمن کوبیده و آن را واژگون می‌کردند.[(۵۱)]

۲ـ۵ـ ماءالزرق = آب آهک

از سلاح‌های مورد استفاده در نبردهای دریایی بوده است. این ماده مخلوطی از نمک جوشیده و زرنیخ سفید همراه با آب، یا از ماده‌ای به نام زاج بوده است. این ماده را در داخل ظرفی ریخته آن را به سوی دشمن پرتاب می‌کردند تا چشمان آنان را کور سازد.[(۵۲)]

۲ـ۶ـ برج کشتی

برای مراقبت و حفاظت از کشتی و سرنشینان آن ساخته می‌شد. گروهی بر این برج می‌ایستادند تا دشمن را از فراز آن با پرتاب سنگ‌های نوک تیز مورد هدف قرار دهند.[(۵۳)]

۲ـ۷ـ منجنیق و عراده

عراده منجنیق کوچکی بوده که ابتدا در کشتی‌ها مورد استفاده قرار می‌گرفته و به وسیله آن سنگ‌های نسبتاً بزرگ را به سوی دشمن پرتاب می‌کردند. در اواخر عمر اموی و در عصر عباسی، منجنیق وقتی مورد استفاده قرارگرفت که وسیله‌ای خاص جهت حمل و نقل آن ساخته شد.[(۵۴)]

۲ـ۸ـ آتش یونانی

این آتش که از مخلوط کبریت و مقداری روغن مایع و روان درست می‌شده، از استوانه‌ای که در جلوی کشتی قرار داشت، به صورت گلوله‌ای مشتعل به سوی دشمن پرتاب می‌گردیده، و یا این‌که این آتش از کتان آغشته به نفت که در آب خاموش نمی‌شده، به وجود می‌آمده است. هم‌چنین، نفت خام و مواد غیرروان که

کتان را به آن آغشته می‌کردند نیز در آن به کار می‌رفته است.(۵۵)

۲ـ۹ـ آینه‌های آتش افکن = المرایا المحرقه

آینه در نیروی دریایی اسلامی مورد استفاده قرار می‌گرفته است. این آینه‌ها از کره‌ای توخالی تشکیل شده بوده که اشعه انعکاس یافته از خورشید را در یک نقطه جمع کرده و سپس این اشعه را بر کشتی‌های دشمن متمرکز نموده و آن را به آتش می‌کشیده است. این عمل مستلزم آن بوده که موقعیت کشتی‌های دشمن مناسب و برابر انعکاس اشعه قرار داشته باشد.(۵۶)

سازماندهی و آرایش ناوگان به هنگام جنگ

سازماندهی و آرایش کشتی و ناوگان‌های جنگی در دو مرحلهٔ «درونی» و «بیرونی» انجام می‌شد. منظور از سازماندهی و آرایش درونی، ترتیب و استقرار نیروهای جنگی در داخل کشتی بر اساس جایگاه خود و نیز تقسیم وظایف آن است. بر اساس گفته ابن منکلی، نیروهای غیر شجاع و ضعیف باید در طبقه پایین کشتی استقرار یابند وکسانی که از طبقه اول دچار جراحت و زخم شده‌اند باید به طبقه پایین منتقل شوند و جای آنان باکسانی که در طبقه پایین هستند عوض شود. البته بر حسب ضرورت و بر اساس تدبیر، در هر کشتی باید چهار نفر مجرب و آگاه به مداوای مجروحان حضور داشته باشند تا سلاح‌های آنان را گرفته و آن‌ها را سیراب نموده و زخم‌هایشان را مداوا نمایند.(۵۷)

منظور از سازماندهی بیرونی، نحوه آرایش و استقرار کشتی‌ها در داخل آب و در منطقه عملیات دریایی است. آرایش کشتی‌ها در جنگ‌های دریایی همانند آرایش لشکریان در خشکی بوده است و کشتی‌ها به قلب، جناحین و مقدمه و ساقه تقسیم می‌شدند و برای محاصره دشمن به صورت نیم‌دایره هلالی آرایش می‌یافتند. گاهی

نیزکشتی‌ها برای مقابله و برخورد باکشتی‌های دشمن و غرق کردن آن‌ها به صورت خط مستقیم آرایش می‌گرفتند در بعضی مواقع نیز به صورت هلال وارونه آرایش می‌یافتند.(۵۸)

به گفتهٔ ابن منکلی، اگر نزدیک سرزمین دشمن یا داخل آن بوده و یا دشمن به سوی ما می‌آمد، باید همواره برای نبرد آماده بوده و در هنگام درگیری، به حدی که مکان و نیز میدان تیر اجازه می‌دهد، کشتی را با شکل‌های مختلف و بر اساس صفوف سازماندهی کرد. باید میمنه و میسره و قلب تشکیل داد و به طور مستقیم بر این آرایش نظارت داشت و نقاط ضعف آن را برطرف کرد. در هنگام محاصرهٔ دشمن باید به صورت نیم‌دایره او را به محاصره درآورد و بر او آتش افکند. جنگجویان بر حسب تعدادکشتی در دو یا سه جهت تقسیم شوند و یک گروه ابتدا بر دشمن واردگردد و او را به خود مشغول سازد، آنگاه گروهی دیگر از پشتِ وی و از پهلوها وارد شوند و سپس کشتی‌های دیگری غافلگیرانه بر دشمن بتازند و آن‌ها را تیرباران کنند.(۵۹)

ناوگان اعراب به ویژه عباسیان، روش‌های متعددی برای سازماندهی در جنگ‌های دریایی داشتند که بر اساس انواع کشتی و امکانات آنان صورت می‌گرفت. اگر جنگ بین کشتی‌های بزرگ و عظیم بود، با کشتی‌های کوچک نزدیک آن‌ها نمی‌رفتند و پشت یا جلو و یا اطراف آنان قرار نمی‌گرفتند، زیرا ممکن بود توسط آنان غرق شوند؛ بلکه از دور با نظام و آرایش خود می‌جنگیدند تا کشتی‌های دشمن را غرق کنند. اما اگر جنگ بین کشتی‌های کوچک و هم سطح آنان بود، به کشتی‌های دشمن نزدیک می‌شدند و نردبان‌ها را می‌انداختند و سربازان با سلاح داخل کشتی دشمن شده و می‌جنگیدند.(۶۰)

رومیان از نزدیک شدن به کشتی‌های مسلمانان می‌ترسیدند و اقدام به جداکردن آن‌ها از یکدیگر می‌کردند.(۶۱) نبردهای دریایی کمتر در عمق دریا اتفاق می‌افتاد و

بیشتر نزدیک سواحل و جزیره‌ها رخ می‌داد.[۶۲] ناوگان‌های دریایی مسلمانان به هنگام اعیاد و مراسم رسمی و یا در هنگام وداع برای حرکت به سوی جنگ و یا بازگشت از آن، در مقابل خلفا به انجام مانور و سان می‌پرداختند.[۶۳]

انواع کشتی‌های جنگی

کشتی‌های جنگی در اعصار مورد نظر دارای انواع مختلفی بوده است؛ بعضی کشتی‌ها کوچک اما سریع بوده و برای انجام مانور و شناسایی به کارگرفته می‌شده؛ اما بعضی دیگر که به آن قلاع (کشتی بادبانی) می‌گفتند؛ بزرگ بوده و برای انتقال سربازان و تدارکات و ساز و برگ جنگی مورد استفاده قرار می‌گرفته است. بعضی از این کشتی‌ها هم دارای حجمی متوسط بوده که برای پرتاب نفت و مواد آتش‌زا استفاده می‌شده است که آن‌ها را آتش‌افکن‌ها می‌نامیدند.

مهم‌ترین کشتی‌های آن دوره عبارت بودند از:

۱ـ سفینه: نامی عام برای کشتی‌های دریایی بوده است.[۶۴]

۲ـ اَشُّونه: بزرگ‌ترین نوع کشتی و کاربردی‌ترین آن‌ها و دارای برج و قلعه برای دفاع و تهاجم بوده است. این کشتی به طور متوسط ۱۵۰ سرباز را حمل می‌کرده است.[۶۵]

۳ـ البارِجَه: کشتی جنگی‌ای بوده که اعراب ساخت آن را از هندی‌ها فرا گرفته بودند و دزدان دریایی از آن در تهاجم به کشتی‌های تجاری استفاده می‌کردند.[۶۶] در سال ۲۵۱ هـ ده فروند از این نوع کشتی از بصره وارد بغداد شد. در هر کشتی ۳۹ جنگجو و دریانورد و چند نجار و نفت‌انداز حضور داشتند و هر یک از این کشتی‌ها ۴۵ نفر ظرفیت داشت.[۶۷]

۴ـ القَرْقُور: کشتی بزرگی بوده که همراه کشتی‌های جنگی برای حمل تدارکات،

سلاح و لوازم کشتی‌ها حرکت می‌کرده است.(۶۸)

۵ـ السَمیریَّه: کشتی جنگی‌ای بوده که عباسیان در جنگ‌ها از آن برای حمل آلات و ادوات جنگی و تیراندازان و دریانوردان استفاده می‌کردند.(۶۹)

۶ـ الحَرّاقه: یک نوع کشتی جنگی بوده که در آن مواد آتش‌زا و وسایل مخصوص پرتاب آتش یونانی حمل می‌شده است.(۷۰) هم‌چنین، منجنیق نیز در آن حمل می‌شده است. در این نوع کشتی، قلاب‌هایی برای کشیدن و غرق کردن کشتی‌های دشمن وجود داشته است.(۷۱) این آتش افکن‌ها برای سواری هم استفاده می‌شده است.

۷ـ صَنْدَل: از کشتی‌های جنگی بزرگ و مسطح بوده که برای حمل سربازان و نیز ساز و برگ جنگی و تدارکات استفاده می‌شده است.(۷۲)

۸ـ الحَربِیة: از کشتی‌های جنگی بوده که در زمان هارون مورد استفاده قرار می‌گرفته است.

۹ـ الطَرائد: از این کشتی برای انتقال اسبان استفاده می‌شده و گنجایش حمل ۴۰ اسب به اضافهٔ لوازم آن‌ها و سایر آلات و ادوات جنگ و سلاح و تجهیزات را داشته است.(۷۳)

۱۰ـ اَلبَطَس: از کشتی‌های بزرگ جنگی بوده که تعداد بادبان‌های آن به ۴۰ عدد می‌رسیده و در آن علاوه بر جنگجویان، منجنیق و سلاح نیز حمل می‌شده است. هر یک از این کشتی‌ها گنجایش صدها جنگجو را داشته و گاهی ۷۰۰ جنگجو در آن جای می‌گرفته‌اند. این کشتی دارای چند طبقه بوده که در هر طبقه، گروهی خاص از لشکریان استقرار می‌یافته‌اند.(۷۴)

۱۱ـ المَسَطَح: از کشتی‌های جنگی در ناوگان دریایی بوده که وظیفه آن حمل سلاح ناوها بوده است و آن را «حمّاله» نیز می‌خوانده‌اند.(۷۵) در این کشتی‌ها علاوه بر خدمهٔ اسب‌ها و سازندگان کشتی که برای حفاظت و یا باز سازی کشتی‌ها حضور داشتند،

ساز و برگ و غله و حبوبات نیز حمل می‌شده است.

۱۲ـ الأغْرُبَه: از کشتی‌های بزرگ که جلو آن شبیه منقار کلاغ بوده و ظرفیت حمل بیش از ۱۸۰ دریانورد را داشته است. دشمنان از این کشتی به وحشت می‌افتاده‌اند و اروپاییان آن را «کروته»(۷۶) می‌خواندند.(۷۷)

۱۳ـ القَلُوکه: یک کشتی کوچک برای حمل و نقل سربازان و اسب‌ها بوده است.

۱۴ـ الشیطی: این کشتی که از سرعت بسیار زیادی برخوردار بوده و توسط ۸۰ دریانورد به حرکت در می‌آمده، برای کسب اطلاعات از کشتی‌های دشمن مورد استفاده قرار می‌گرفته است.

۱۵ـ العشیری: قایق‌هایی بوده که با ۲۰ دریانورد حرکت می‌کرده و برای انتقال سربازان و ساز و برگ جنگی استفاده می‌شده است.

۱۶ـ الشَمُوط: کشتی کوچکی بوده که برای پوشش و حفاظت از کشتی‌های بزرگ استفاده می‌شده است.(۷۸)

۱۷ـ القَارِب: کشتی کوچک بوده که همراه کشتی‌های ناوگان حرکت می‌کرده و برای انتقال مواد مورد نیاز سرنشینان کشتی‌ها کاربرد داشته است و در امور شناسایی نیز مورد استفاده قرار می‌گرفته است.(۷۹)

۱۸ـ الطیاره: از کشتی‌های مخصوص حرکت در رودخانه‌ها بوده که به سبکی و سرعت ممتاز بوده و در رودخانه دجله و فرات مورد استفاده قرار می‌گرفته است.(۸۰)

۱۹ـ الزنبریه: از کشتی‌های مخصوص حرکت در رودخانه بوده که در رود فرات برای انتقال سربازان و لوازم آن‌ها استفاده می‌شده است.(۸۱)

۲۰ـ لوسری: این کشتی نیز در جنگ‌هایی که در رودخانه‌ها رخ می‌داد، از جمله در دجله و فرات، استفاده می‌شده است.(۸۲)

۲۱ـ الشباره: قایق مخصوص رودخانه بوده که در دجله مورد استفاده قرار

می‌گرفته است. مأمون به غیر ازکشتی‌های جنگی، چهار هزار از این نوع قایق کوچک و بزرگ را در اختیار داشت.(۸۳)

۲۲ـ العلابیات: از کشتی‌های جنگی است که جزء ناوگان مصر در عصر اموی و عباسی بوده است.(۸۴)

۲۳ـ ملقوطه: کشتی جنگی بزرگی بوده که معمولاً پس از ناو حرکت می‌کرده تا سربازان و نیز سلاح و تدارکات را منتقل نماید.(۸۵)



پی‌نوشت‌ها:

۱. ر.ک: جوادعلی، ***المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام*** (بیروت، دارالعلم للملائین، ۱۹۶۸م)؛ چاپ سوم: مصر، مطبعه الهلال، ۱۹۲۲م) ج ۱، ص ۲۰۵.

۲. اسراء/۶۶ـ۶۷؛ اعراف/۱۶۲؛ انعام/۹۷، ۶۳، ۵۹؛ یونس/۲۲.

۳. عنکبوت/۱۵؛ کهف/۷۱، ۷۹؛ و نیز در آیه‌ای خداوند ستارگان را به عنوان راهنمایی تاریکی‌های خشکی و دریا قرار داده «و هو الذی جعل لکم النجوم لتهتدوا بهافی ظلمات البر و البحر» (انعام/۹۷). که این کار جز با قطب‌نما دست‌یافتنی نبود و می‌توان گفت علم نجوم نیز به راه‌یابی مسلمانان در دریا کمک کرد.

۴. محمدبن جریرطبری، ***تاریخ الطبری***، بیروت، داراحیاء التراث العربی و دار المعارف، تحقیق محمدابوالفضل ابراهیم ۱۹۶۶)، ۳/۳۱۶ـ۳۱۵.

۵. منابع به چند نبرد دریایی در دوران خلافت عمر اشاره داشته‌اند (بنگرید به صفحات بعد).

۶. محمدبن عیصبی ترمذی، ***سنن الترمذی***، تحقیق عبدالوهاب عبداللطیف، بیروت، دارالفکر، ط ۳، ۱۹۲۸)، ۱۴۸/۷؛ سلیمان اثلث ابی داود، ***سنن ابی داود***، بیروت، دارالفکر ۱۳۹۸هـ ۳۸۹/۱.

۷. ابی داود، همان جا.

۸. محمدبن اسماعیل بخاری، ***صحیح***، (باب الجهاد) بیروت، داراحیاء التراث العربی، ط ۲، ۱۳۰۱هـ ۲۰۱/۳.

۹. ابن داود، همان‌جا؛ بخاری، ***صحیح***، (باب الجهاد و السیر) ۲۰۱/۳.

۱۰. ابوعبدالله‌بن ماجه، ***سنن***، ابن ماجه، تحقیق محمد فؤاد عبدالباقی، بیروت، المکتبة العلمیه [بی تا]، ۱۷۸/۲.

۱۱. سعاد ماهر، ***البحریه فی مصر الاسلامیه و آثار الباقیه***، مصر دارالمعارف [بی تا]، ۶۲ـ۶۳.

۱۲. همان، ۶۴.

۱۳. فتوح نویسان و مورخانی‌که فتح اندلس را ثبت کرده‌اند چنین گزارشی در این سال نداده‌اند و سال فتح، ۹۲ هجری در دوران خلافت ولیدبن عبدالملک است.

۱۴. طبری، پیشین، ۳۱۴/۳.

۱۵. همان، ۳۳۸/۳.

۱۶. عبدالعزیز الدوری، ***العصر العباسی الاول***، بیروت، دارالطلیعة للطباعة و النشر، ۱۹۴۵م، ۴۱؛ عبدالعزیز السالم،

احمد مختار العبادی، ***تاریخ البحریة الاسلامیه فی مصر و الشام***، بیروت، دارالماحد ۱۹۷۲م. ۱۴؛ خدوری، ***الحرب و السلم***، فی شرعة الاسلام، بیروت، دارالمتحدة للنشر ۱۹۷۳م، ۱۵۴-۱۵۱.

۱۷. فاروق عمر، فوزی، ***تاریخ العراق فی عصور الخلافة العربیة الاسلامیه***، بغداد [بی‌تا]، ۱۹۵.

۱۸. عبدالعزیز الدوری، ***العصر العباسی الاول***، ۴۸.

۱۹. فاروق عمر فوزی، همان‌جا.

۲۰. عبدالعزیز الدوری، پیشین، ۴۸؛ هم‌چنین بنگرید به عبدالله عنان، ***تاریخ الدولة الاسلامی فی اندلس***.

۲۱. طبری، پیشین، ۴۲/۸.

۲۲. همان، ۳۳/۸-۴۲.

۲۳. فاروق عمر فوزی، پیشین، ۱۹۵.

۲۴. طبری، پیشین، ۱۲۹/۸-۱۴۰؛ عمادالدین ابوالفداء، ابن کثیر، ***البدایة و النهایة***، فی التاریخ، بیروت دارالفکر، ۱۹۶۶م، ۴۷/۶۵

۲۵. فاروق عمر فوزی، پیشین، ۱۹۶.

۲۶. همان‌جا.

۲۷. همان، ۲۰۴.

۲۸. طبری، پیشین، ۱۱۶/۸؛ عزالدین احمد، ابن اثیر، ***الکامل فی التاریخ*** بیروت، دارصادر ۱۹۶۵م، ۴۷/۶.

29. Theophanes, ***Chronographia***, col, 936.

30. Finaly, ***History of the Byzantine Empire***. Oxford, 1871, p: 83.

۳۱. عبدالعزیز الدوری، پیشین، ۱۱۴.

۳۲. سعاد ماهر، پیشین، ۸۹.

۳۳. شهری است در شمال مصر.

۳۴. عبدالعزیز سالم، پیشین، ۴۱/۱.

35. Roben, Levey, ***The social structure of Islam***. p: 454.

۳۶. سعاد ماهر، پیشین، ۳۰۰.

۳۷. غرة غولی، ***العقلیة العربیة فی التنظیمات المادارية و العسكرية فی العراق و الشام خلال العصر العباسی الاول***،

بغداد آفاق العربیة ۱۹۸۶م، ۱۹۷.

۳۸. عبدالعزیز سالم، پیشین، ۳۸.

۳۹. کردعلی، ***خطط الشام***، بیروت، دارالنفائس ۱۹۸۱م ۴۰/۵.

۴۰. عبدالعزیز السالم، پیشین، ۴۳.

۴۱. ابن کثیر، ***البدایة و النهایة***، ۱۴۴/۱۰.

۴۲. عبدالمنعم ماجد، ***العصر العباسی الاول***، قاهره، مکتبة الآنجلو المصریة، ط ۳، ۱۹۸۴م، ۲۸۶.

۴۳. محمدبن محمود ابن منکلی، ***الادلة الرسمیة فی التعابی الحربی***، تحقیق محمود شیت خطاب، بغداد، مطبعه الجمع العلمی العراقی ۱۴۰۹هـ، ۲۴۱-۲۴۴.

۴۴. جرجی زیدان، ***تاریخ التمدن الاسلامی***، ۲۳۱۱/۱.

۴۵. ابن منکلی، پیشین، ۲۵۰-۲۵۱.

۴۶. سعاد ماهر، پیشین، ۳۰۳.

۴۷. کلالیب، جمع کُلاب، در فارسی قُلاب (***راعد***، ۷۶۹).

۴۸. حسن بن عبدالله عباسی، ***آثار الاول فی ترتیب الدول***، قاهره، مطبقه برلاق، ۱۲۹۵م، ۱۹۷.

۴۹. حسن بن عبدالله، پیشین، ۱۹۶؛ سعاد ماهر، پیشین، ۲۰۳.

۵۰. حسن بن عبدالله، همان جا؛ سعاد ماهر، همان جا.

۵۱. حسن بن عبدالله، همان جا.

۵۲. یکی از گروه‌های موجود در نیروی دریایی، «زراقین» بودند که مخلوطی را که شرح آن گذشت، به سوی سرنشینان کشتی دشمن پرتاب می‌کردند.

۵۳. ابن تغری بردی، ***النجوم الزاهره فی اخبار ملوک المصر و القاهره***، ۵۱/۴.

۵۴. سعاد ماهر، پیشین، ۷۴.

۵۵. محمود عواد، ***الجیش و الاسطول***، ۵۲۲-۵۲۵.

۵۶. همان، ۵۲۹.

۵۷. ابن منکلی، پیشین، ۲۴۴.

۵۸. حسن بن عبدالله، پیشین، ۱۹۵.

۵۹. *الادلة الرسمية فی التعالیی الحربية*، ۲۴۸-۲۴۹.

۶۰. محمدیاسین الحموی، *تاریخ اسطول العربی*، ۱۰۸-۱۰۹.

۶۱. جهادیة القرة غولی، *العقلية العربية*، ۲۴۶.

۶۲. همان، ۲۴۷.

۶۳. نعمان ثابت، *الجندية فی الدولة العباسية*، بغداد، مطبعة اسد، ط ۲، ص ۱۹۵۶م.

۶۴. انور رفاعی، *النظم الاسلامیه*، ۱۶۱

۶۵. همان‌جا.

۶۶. ابوالحسن علی ابن سیده، *المخصص فی اللغة والادب*، بیروت، دارالفکر، ۱۳۹۸هـ، ۲۶/۱۰؛ علی‌بن حسین مسعودی، *التنبیه و الاشراف*، بیروت، [بی‌تا]، ۲۰۷.

۶۷. طبری، پیشین، ۳۰۶/۹.

۶۸. انور رفاعی، پیشین، ۱۶۱.

۶۹. جهادیة قرة غولی، پیشین، ۲۴۸.

۷۰. محمد عواد، پیشین، ۴۱۲.

۷۱. نعمان ثابت، پیشین، ۱۴۳.

۷۲. انور رفاعی، پیشین، ۱۶۱

۷۳. ابن‌منکلی، *الادلة الرسمية فی التعابی الحربية*، ۲۴۳.

۷۴. شهاب‌الدین نویری، *نهایةالارب فی فنون‌الارب*، قاهره، دارالکتب المصریه، ۱۳۴۵هـ، ۱۲۳/۹؛ مقدسی، *احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم*، ۳۲.

۷۵. انور رفاعی، پیشین، ۱۶۱.

76. Corrette.

۷۷. عبدالمنعم ماجد، *تاریخ الحضارة الاسلامیة*، ۷۵.

۷۸. مقدسی، *احسن التقاسیم*، ۳۲.

۷۹. عبدالمنعم ماجد، پیشین، ۷۵؛ محمود عواد، پیشین، ۴۱۵.

۸۰. عبدالمنعم ماجد، همان‌جا.

۸۱. طبری، پیشین، ۱۴۹/۷.

۸۲. جهادیة القرة غولی، *العقلیة العربیة*، ۲۴۹.

۸۳. همان‌جا.

۸۴. همان، ۲۵۰.

۸۵. مقدسی، پیشین، ۳۱.

منابع:

ـ ابن‌اثیر، عزالدین احمدبن ابی‌المکارم: ***الکامل فی التاریخ*** (بیروت، دارالصادر، ۱۹۶۵م).

ـ ابن سیره، ابوالحسن علی‌بن اسماعیل: ***المخصص فی اللغة و الادب*** (بیروت، دارالفکر، ۱۳۹۸هـ).

ـ ابن کثیر، عمادالدین ابی‌الفداء اسماعیل: ***البدایة و النهایة فی التاریخ*** (بیروت، دارالفکر، ۱۹۶۶م).

ـ ابن‌ماجه، ابوعبدالله: ***سنن‌ابن ماجه***، تحقیق محمدفؤاد عبدالباقی (بیروت، المکتبة العلمیه، بی‌تا).

ـ ابن‌منکلی، محمدبن محمود: ***الادلة الرسمیة فی التعاثّی الحربیّة***، تحقیق محمود شیت خطاب (بغداد، مطبعة المجمع العلمی العراقی، ۱۴۰۹هـ).

ـ ابو داود، سلیمان‌بن اشعث: ***سنن‌ابی داود*** (بیروت، دارالفکر، ۱۳۹۸هـ).

ـ ترمذی، محمدبن عیسی: ***سنن‌الترمذی***، تحقیق عبدالوهاب عبداللطیف (چاپ سوم: بیروت، دارالفکر، ۱۳۹۸هـ).

ـ عباسی، حسن‌بن عبدالله: ***آثار الأُوَل فی ترتیب الدُّوَل*** (قاهره، بولاق، ۱۲۹۵هـ).

ـ طبری، محمدبن جریر: ***تاریخ الرسل و الملوک***، تحقیق محمدابوالفضل ابراهیم (بیروت، دارالمعارف، ۱۹۶۶م).

ـ مسعودی، علی‌بن الحسین: ***التنبیه و الاشراف*** (بیروت، المؤسسة الاعلمی للمطبوعات بی‌تا).

ـ نویری، شهاب‌الدین احمد: ***نهایة الارب فی فنون الارب*** (قاهره، دارالکتب المصریه، ۱۳۴۵هـ).

ـ جواد علی: ***المفصل فی تاریخ العرب قبل الاسلام*** (بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۹۶۸م).

ـ خدوری، مجید: ***الحرب و السلم فی شرعة الاسلام*** (بیروت، الدار المتحدة للنشر، ۱۹۷۲م).

ـ دوری، عبدالعزیز: ***العصر العباسی الاول***، دراسة فی التاریخ السیاس و الاداری و المالی (بیروت، دارالطلیعة للطباعة و النشر، ۱۹۴۵م).

ـ زیدان، جرجی: ***تاریخ التمدن الاسلامی*** (چاپ سوم، مصر، مطبعة الهلال، ۱۹۳۲م).

ـ سالم، سیدعبدالعزیز، و عبادی، احمد مختار: ***تاریخ البحریة الاسلامیه فی مصر و الشام*** (بیروت، دارالاحد، ۱۹۷۲م).

ـ همو، ***تاریخ البحریة الاسلامیة فی المغرب و الاندلس*** (بیروت، دارالنهضة العربیه، ۱۹۶۹م).

ـ غولی، جهادیة القرة: ***العقلیة العربیة فی التنظیمات الاداریة و العسکریة فی العراق و الشام خلال العصر العباسی الاول*** (بغداد، آفاق العربیة، ۱۹۸۶م).

ـ کردعلی، محمد: ***خطط الشام*** (بیروت، دارالنفایس، ۱۹۸۱م).

ـ ماجد، عبدالمنعم: ***العصر العباسی الاول*** (قاهره، مکتبة الآنجلو المصریه، ۱۹۸۴م).

ـ نعمان ثابت، ***الجندیة فی الدولة العباسیة*** (بغداد، مطبعة اسعد، ۱۹۵۶م).

- Finaly, history of the byzantine empire, oxforcl, 1977.

- Roben, levey, the social structure of Islam.

- Theophanes, chronographia, col, 1977.